

کوردستان

ارگان حبی همکار کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کره در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۲ پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۹، ۱۸ فوریه ۲۰۲۱

- ۲ . سمیناری در رابطه با نقش دکتر قاسملو در روزنامه «کوردستان» برگزار شد
- ۲ . مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران از اقدام قوه قضایی بلژیک حمایت کرد
- ۳ . سرقت اطلاعات شخصی مردم توسط نهادهای اطلاعاتی رژیم
- ۳ . عضوگیری رژیم برای گروه‌های وابسته خود در سوریه با دستمزدی ۶ برابر رژیم اسد

www.kurdistanmedia.com



آسیب‌یاسیون
ملیت‌های تحت ستم
توسط ...

۷



۲۷ سازمان حقوق بشری و
نهاد مدنی خواستار آزادی
فعالین کورد و ...

۶



اگر جنگ شروع شود
روسیه و چین در چه حد
و تا کی ...

۵



امنیت ملی یا
«مصلحت نظام»

۴

سفن
موشک
سرگردان
کریم پرویزی

هر سال بدتر از پارسال



در روز جهانی عشاق و در حالی که عاشقان به همدیگر گل هدیه می‌دادند، نیروهای تروریست وابسته به سپاه قدس جمهوری اسلامی، شهر اربیل، فرودگاه و همچنین چند محله از این شهر را کاتیوشا باران کردند. راکت‌های شلیک شده نیروهای وابسته به سپاه قدس، باعث کشته شدن یک نفر و مجروح شدن چندین نفر و همچنین اندک خسارات مادی نیز به فرودگاه و چند محله اربیل وارد کرد، اما بیشتر از خسارات مادی و جانی، هدف ایجاد فضای ناامن و وحشت بر جو حاکم بر شهر و هدف قرار دادن امنیت پایتخت اقلیم کوردستان بود. هرچند که بنا به ادبیات بیاننامه منتشر شده از سوی گروه سرایا اولیاء الدم که انجام حمله را بر عهده گرفته، هدفشان هشدار دادن به آمریکا و حاکمیت اقلیم کوردستان باشد و در فکر خود حکومت اقلیم و آمریکا را هدف قرار داده تا با این اقدام مذبحانه وادارشان کنند تسلیم خواست تروریستی خود کنند، اما آن چه که روشن است اقدامات این چینی از سوی گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی نه تنها هرگز نتوانسته طرف مقابل را مرعوب کند، بلکه عکس‌العمل سازماندهی شده‌تر و تندتری را به دنبال خود آورده و نهایتاً جنگ و دندانش را کشیده‌اند.

راکت‌هایی که تروریست‌ها با استفاده از ماشینی دستکاری شده در پایین شهر اربیل رو به پایتخت اقلیم شلیک کردند، گرچه از لحاظ هدف نظامی مکان انتخاب شده بر اساس محاسبات دقیق بوده و تلاش کرده باشند که با دقت بالا هدف گیری کنند، اما از حیث سیاسی نتوانستند پیشبینی خیلی دقیق از شرایط داشته باشند و سراسیمه کاری انجام دادند که

ادامه در صفحه ۳

اقتصاد ایران ۲۰ درصد کوچکتر شده است. حسن روحانی رئیس جمهور رژیم مدعی شده که دولت او توانسته اقتصاد ایران را رشد دهد این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقداند که این صحبت‌های روحانی گزافی بیش نبوده و تنها خودی‌های رژیم توانستند از موقعیت سیاسی و اداری خود سوء استفاده کرده و به نان و نوایی برسند. وب سایت کوردستان میدیا در گزارشی به وضعیت اقتصاد ایران پرداخته و مردم ایران به علت فشار

اقتصاد ایران ۲۰ درصد کوچکتر شده است. حسن روحانی رئیس جمهور رژیم مدعی شده که دولت او توانسته اقتصاد ایران را رشد دهد این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقداند که این صحبت‌های روحانی گزافی بیش نبوده و تنها خودی‌های رژیم توانستند از موقعیت سیاسی و اداری خود سوء استفاده کرده و به نان و نوایی برسند. وب سایت کوردستان میدیا در گزارشی به وضعیت اقتصاد ایران پرداخته و مردم ایران به علت فشار

کل تورم و نرخ بیکاری مشخص می‌شود. رشد اقتصاد ایران از سال ۸۹ تا ۹۹ خورشیدی، منفی ۶ درصد بوده است. آنچه که روشن است برعکس ادعاهای سران رژیم به نسبت معضلات اقتصادی ایران تنها علت فلاکت اقتصادی تحریم‌های آمریکا نبوده بلکه سیاست‌های داخلی خود رژیم باعث این چنین رکود اقتصادی لاینحل ایران بوده است. همچنین ظرف ۴ سال گذشته

وضعیت اقتصادی مردم ایران روز به روز خرابتر و بیکاری و فقر و تورم افسار گسیخته بر سر زندگی مردم سایه افکنده است. طبق شاخص جهانی فلاکت، ونزولا با ۷۹.۴ درصد دارای رتبه اول، ایران با ۶۱.۶ درصد رتبه دوم و صربستان با ۴۴.۸ درصد دارای رتبه سوم می‌باشند. طبق این شاخص کشورهای ژاپن، قطر، آلمان و آمریکا در صدر بهترین کشورهای قرار گرفتند که کمترین میزان رشد تورم داشتند. شاخص فلاکت بر اساس نرخ

به گفته اقتصاددانان ایران شاخص فلاکت در ایران به ۷۰ درصد رسیده است و مشخص نیست این جریان تاکی ادامه خواهد داشت. کارشناسان معتقداند که چشم پوشی سازمان‌های نظارتی بر تخلفات باعث به وجود آمدن این چنین شرایطی شده است. تابستان امسال به دنبال افزایش نرخ بیکاری و تورم در ایران، شاخص فلاکت به ۴۵ درصد رسید و در مقایسه با سال گذشته افزایشی دو برابر داشته است. این آمارها گواه این واقعیت است



پیام تسلیت «مصطفی هجری» به مناسبت درگذشت دکتر «روژ نوری شایس»

حزب دمکرات کردستان ایران پیام همدردی خود را خدمت شما، اعضای رهبری پارتهی و همه دوستان و خانواده مرحوم عرض کرده و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

با احترامی دوباره

جناب مسعود باززانی دبیرکل حزب دمکرات کردستان باعرض سلام و احترام، خبر درگذشت دکتر «روژ نوری شایس» کادر برجسته رهبری پارتهی و عضو دفتر سیاسی این حزب، موجب ناراحتی همه ما شد. به همین مناسبت از سوی رهبری

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران طی پیامی به مسعود باززانی دبیرکل حزب دمکرات کردستان درگذشت دکتر «روژ نوری شایس» عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان را تسلیت گفتند.

متن پیام این چنین است:

نهمین دوره سیاسی سطح دو بخش اول پایان یافت

از موضوعات جدی برای حزب دمکرات می‌باشد و بیشترین اهمیت را به این مسئله داده چرا که حزب دمکرات معتقد است؛ عضو آگاه و هوشیار می‌تواند عاملی برای پیشبرد اهداف و نهایتاً موفقیت حزب دمکرات باشد.

بعد از اعلام پروژه «راسانی روزه‌ها» حزب دمکرات درصدد بوده که به نیروی موثر مبدل گردد و در همین راستا نیز مسئله آموزش نیروهای خود را در اولویت قرار داده است.

متون و ادبیات کوردی، کار سازمانی و گروهی، شبکه‌های اجتماعی و راسان» برای شرکت کنندگان تدریس شده است. این دوره بعد از ۳۳ روز و جمعا ۱۱۵ ساعت کلاس درس به پایان رسید.

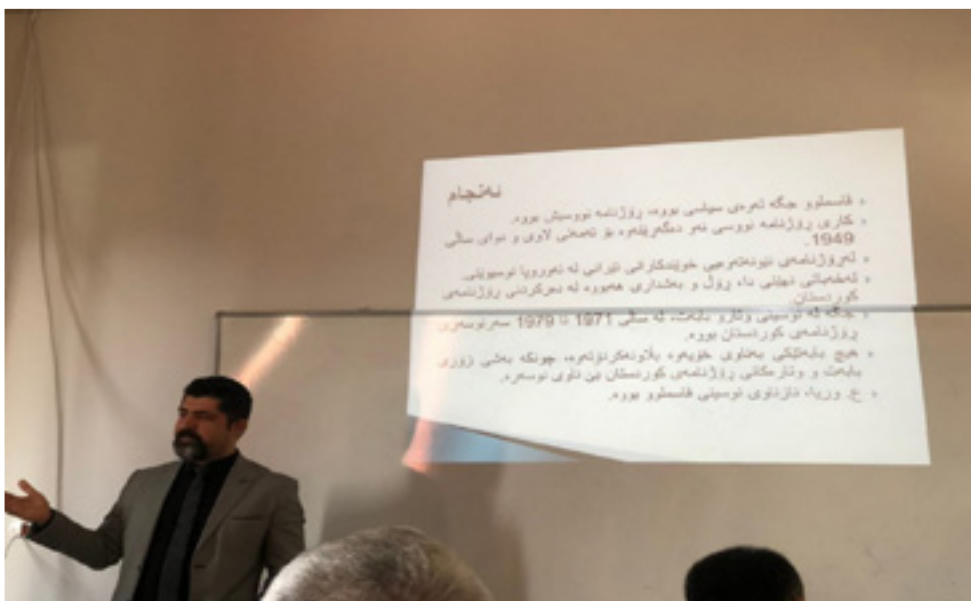
طبق روال دوره‌ها بعد از اتمام کلاس‌های درس از شرکت کنندگان امتحان گرفته می‌شود و در این دوره نیز «بهزاد قادری» موفق به کسب مقام اول، «اژین حسینی» مقام دوم و «دلنیا ویسی» مقام سوم را کسب کردند. مسئله آموزش و پرورش یکی

دستگاه آموزش و تحقیقات حزب دمکرات نهمین دوره سیاسی ویژه پیشمرگه‌ها را طبق برنامه‌ای از قبل تعیین شده، با موفقیت به اتمام رساند.

این دوره در مورخ ۲۰ دی ماه ۱۳۹۹ آغاز و تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۹ ادامه داشت. در این دوره دروس: «اساسنامه حزب دمکرات، تاریخ حزب، سوسیالیسم دمکراتیک، فدرالیسم، دمکراسی، مسئله برابری حقوق زن و مرد، ساختار و سیاست‌های رژیم ایران، فن سخنرانی، سیاست و مواضع حزب،



سمیناری در رابطه با نقش دکتر قاسملو در روزنامه «کردستان» برگزار شد



را می‌نوشت. ایشان همچنین نقش چشمگیری در پیشرفت و رشد و نیز انتشار پیوسته روزنامه کردستان ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در مقاطع مختلف زمانی داشتند. دانشکده تاریخ دانشگاه کوبه از سال ۲۰۰۱ میلادی بر روی دانشجویان باز و تا کنون نیز هر ساله چندین دانشجو را در مقاطع مختلف تحصیلی پذیرا است.

در این سمینار پروفیسور «هوشمند علی» بحثی در مورد «دکتر قاسملو» که فارغ از این که ایشان شخصیتی سیاسی مطرح و دیپلماتی شناخته شده در جنبش آزادیخواهی ملت کورد و به ویژه جریان آزادیخواهی کورد در کردستان ایران بودند، همزمان و در روزهای نخستین شروع کار سیاسی و حزبی همچون روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های کوردی و خارجی‌ها مطالب خود

در دانشگاه کویسنجق سمیناری تحت عنوان نقش دکتر «قاسملو» در روزنامه «کردستان» برگزار شد. سمیناری در دانشکده تاریخ دانشگاه کویسنجق از سوی پروفیسور «هوشمند علی» تحت عنوان «نقش و تاثیر عبدالرحمن قاسملو» در روزنامه «کردستان»؛ «ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران از ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۹» با حضور اساتید دانشگاه و مهمانان برگزار

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران از اقدام قوه قضایی بلژیک حمایت کرد

در خارج از کشور به خصوص ترور د. شرفکندی و یارانش در برلین که منجر به تشکیل دادگای میکونوس و رسوایی بین المللی جمهوری اسلامی ایران گردید، اشاره کرد.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران از اقدام قوه قضایی بلژیک پشتیبانی و همزمان اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی ایران را به شدت محکوم میکند و خواهان رسیدگی جدی و بیطرفانه و به دور از مصالح سیاسی و اقتصادی کشورها و مجامع بین المللی به پرونده‌های متعدد ترورمخالفین این رژیم در گذشته، حال و آینده است.

از نظر ما بالا بردن هوشیاری و اتحاد و همکاری هر چه بیشتر احزاب و فعالین سیاسی در رابطه با خنثی سازی اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی میتواند مانع بزرگی بر سر راه ماشین کشتار و ترور جمهوری اسلامی باشد.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران فوریه ۲۰۲۱ میلادی

عارفانی» به ۱۷ سال زندان محکوم شدند. در ضمن، قاضی این پرونده با درخواست دادستانی مبنی بر سلب تابعیت آنان از بلژیک موافقت کرده است.

لازم به ذکر است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای حاکمیت خود تاکنون در تلاش برای سرکوب مخالفین خود و گسترش تروریسم در داخل و خارج از مرزهای ایران از هیچ اقدامی دریغ نکرده است و حذف فیزیکی مخالفان خود و دگراندیشان را پیوسته در دستور کار خود داشته است.

جنبش آزادیخواهانه‌ی مردم کردستان نیز همراه با جنبشهای آزادیخواهانه مردم در بخشهای مختلف ایران همواره از قربانیان تروریسم غریبان جمهوری اسلامی ایران بوده است و از اقدامات تروریستی این رژیم علیه مردم کردستان میتوان به نمونه هایی چون بمب گذاری برای احزاب کرد، موشکباران مقرات و ترور پایگاههای احزاب کرد و ترور رهبران (ترور د. قاسملو در وین، ترور د. شرفکندی در برلین و صدیق کمانگر در عراق) و کادرهای آنان

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران در رابطه با اقدام قوه قضایی بلژیک ضمن حمایت از این حکم دادگاه، اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی ایران را به شدت محکوم کرد.

متن بیانیه بدین شرح است:

بیانیه مرکز همکاری احزاب کردستان ایران در مورد دادگاهی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی ایران

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۹، دادگاه «انتورپ» بلژیک «اسدالله اسدی» تروریست ایرانی که با پوشش دیپلمات در سفارت ایران در وین اتریش مشغول بود را به برنامه ریزی برای انجام عملیات تروریستی و بمبگذاری در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در پاریس فرانسه در سال ۲۰۱۸ میلادی متهم و بعد از اثبات اتهام به ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

۳ متهم دیگر این پرونده «نسیمه نعامی» به ۱۸ سال، «امیر سعدونی» به ۱۵ سال و «مهرداد

پنتاگون: حمله راکتی به ههولیر چندین کشته و زخمی در پی داشت



بامداد روز سه‌شنبه، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد که در پی حمله دوشنبه شب، ۱۴ موشک به سوی یکی از مراکز نیروهای در حومه "ههولیر" پرتاب شده است.

"جان کربی"، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است بر اثر این حمله یک پیمانکار نیروهای آمریکایی کشته شده و ۶ نفر دیگر از جمله یک نظامی آمریکایی مجروح شده‌اند. "مسرور بارزانی" نخست‌وزیر اقلیم کردستان و مصطفی کاظمی نخست‌وزیر عراق فدرال از تشدید

تلاش‌ها برای شناسایی عاملان حمله‌ی تروریستی موشک‌اندازی به "ههولیر" خبر دادند. از سوی دیگر یک گروه شبه‌نظامی وابسته به رژیم ایران به نام "سرایا اولیاء الدم" که خود را

مدافع خون‌پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس" معرفی کرده، مسئولیت حمله‌ی موشکی دوشنبه‌شب "ههولیر" را بر عهده گرفته است.

سرقت اطلاعات شخصی مردم توسط نهادهای اطلاعاتی رژیم



می‌برد. شرکت «چک پوینت» تاکید دارد که رژیم ایران با توجه به موفقیت خود در به دام انداختن طعمه‌ها، به مرور زمان شیوه‌هایش را پیچیده‌تر کرده و با به کارگیری تکنیک‌های نوین کماکان به اهداف مورد نظر خود دسترسی پیدا می‌کند.

طبق تحقیق انجام شده رژیم ایران دست‌کم در چارچوب ۱۰ برنامه متفاوت و انحصاری، اطلاعات بیش از ۱۲۰۰ نفر را سرقت کرده است. شرکت «چک پوینت» می‌گوید: «مخالفان ایرانی در چند کشور،

بر اساس نتایج تحقیقات تازه یک شرکت امنیت سایبری اسرائیلی، رژیم اسلامی ایران با استفاده از شیوه‌های پیشرفته نفوذ سایبری، مخالفان، ملیت‌های غیر فارس و تبعیدی‌ها را سال‌هاست زیر نظر دارد و اطلاعات آنها را به سرقت

از جمله «فعالان کرد»، قربانیان ناآگاه صید سایبری رژیم اسلامی ایران بوده‌اند همان‌گونه که در گذشته این شیوه‌ها علیه کارکنان رسانه‌های فارسی زبان در خارج از کشور به کار گرفته شده بود». رژیم ایران به موفقیت موبایل‌ها دسترسی یافته، شناسه‌های آنها را جمع‌آوری کرده و علاوه بر عکس و فیلم‌ها سایر فایل‌های موجود و نیز حافظه بیرونی رایانه افراد را به سرقت برده و از هر برنامه‌ای که قربانی در موبایل یا کامپیوتر خود نصب کرده، مطلع شده است.

عضوگیری رژیم برای گروه‌های وابسته خود در سوریه با دستمزدی ۶ برابر رژیم اسد

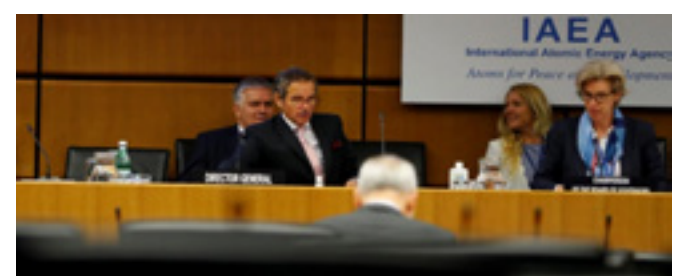


۳۰۰ هزار پوند سوریه رسانده است در حالی که مردم ایران از بحران عمیق اقتصادی رنج می‌برند و قادر به تامین مایحتاج روزانه خود نیز نیستند. به گفته منابع

دیدبان حقوق بشر سوریه مستقر در "لندن" اعلام کرده است رژیم ایران با جذب شبه‌نظامیان وابسته به خود در حال تقویت حضور در خاک سوریه و تحکیم نفوذش در مناطق تحت کنترل رژیم این کشور است. دیدبان حقوق بشر سوریه همچنین متذکر شد: رژیم ایران با استفاده از لشکر "فاطمیون" که متشکل از شبه‌نظامیان "افغانی" است در حال گسترش نفوذ خود در مناطق "حسکه و قامشلی" می‌باشد. رژیم ایران دستمزد ماهیانه این افراد را از ۵۰ هزار به بیش از

خبری، نیروهای وابسته به رژیم ایران هنگامی که مناطق تحت کنترل رژیم اسد در اواسط ژانویه در محاصره نیروهای کورد بودند، اقدام به عضوگیری کرده‌اند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: رژیم با تولید اورانیوم فلزی برجام را نقض کرده است



فلزی را آغاز کرده است. به گزارش خبرگزاری "اسوشیتدپرس"، رافائل گروسی مدیرکل آژانس به کشورهای عضو گفته است بازرسان آژانس روز ۸

روز چهارشنبه، ۲۲ بهمن ماه، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تایید کرده‌اند که رژیم ایران در یک اقدام دیگر در نقض توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، تولید اورانیوم

فوری تولید مقدار اندکی اورانیوم فلزی، ۳.۶ گرم، در تاسیسات هسته‌ای اصفهان را تایید کرده‌اند. به گفته کارشناسان اورانیوم فلزی می‌تواند در ساخت بمب هسته‌ای استفاده شود.

رژیم ایران تحت مفاد پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، انبی‌تی، متعهد است که هرگز، تا ابد به سلاح هسته‌ای دست نیابد و این تعهد را در قالب توافق هسته‌ای برجام هم تایید کرده است.

توطئه ناکام رژیم ایران در حمله به سفارت امارات در اتیوپی

دستگیر شده‌اند. مقام‌های اتیوپی اعلام کرده‌اند که فردی با هویت "احمد اسماعیل" مسئول تیم دستگیرشده است. این فرد با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی آفریقای، آسیایی و اروپایی در سوئد بازداشت شده است.

بر اساس گزارش روزنامه "نیویورک تایمز"، رژیم ایران برای هدف قراردادن "سفارتخانه‌های اسرائیل، آمریکا و امارات" در آفریقا و با استفاده از گروه‌های وابسته به خود به دنبال عملی کردن پروژه "توطئه بزرگ" است. بنا به گزارش این روزنامه سه عامل رژیم ایران در همین رابطه

روزنامه "نیویورک تایمز" به نقل از منابع آمریکایی و اسرائیلی منتشر کرده است؛ طرح حمله به سفارت "امارات متحده عربی در آدیس‌آبابا" بخشی از یک "توطئه بزرگ رژیم ایران" برای هدف قراردادن سفارتخانه‌های اسرائیل، آمریکا و امارات در آفریقا می‌باشد.

ناامیدی سران رژیم ایران از دولت تازه بر سر کار آمده بایدن



روزبه‌روز عمق بحران بیشتر خود را نشان می‌دهد و سران رژیم نیز جز تهدید و حرف‌های ضد و نقیض قادر به اقدامی عملی برای بهبود اقتصاد ایران نبوده و نیستند.

کاهش خواهد داد. رژیم ایران امید داشت تا با روی کار آمدن دولت "بایدن در آمریکا" و با فشار مجلس و اقدامات هسته‌ای جدیدش، روند بازگشت آمریکا به برجام و تعلیق تحریم‌ها را سرعت ببخشد اما این تلاش‌ها تاکنون بی‌نتیجه بودند.

با خروج دولت پیشین آمریکا از توافق برجام اقتصاد ایران در بحرانی عمیق فرو رفت که

"محمدجواد ظریف"، وزیر امور خارجه رژیم در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌های وابسته به رژیم فاش کرد، رژیم به دنبال این بوده تا با روی کار آمدن دولت جدید آمریکا رویکرد تازه‌ای را بیازماید ولی به دلیل تعلل آنها این پنجره در حال بسته شدن است.

همچنین "ظریف" هشدار داد، ایران به زودی همکاری‌های خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را

دستمزد کارگران در ایران فقط ۳۸ درصد هزینه‌هایشان را پوشش می‌دهد



"فرامرز توفیقی" رئیس کمیته دستمزد شورای کار رژیم گفته است متوسط هزینه‌های یک خانواده کارگری در ایران به بیش از ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در ماه رسیده است در حالی که دستمزد آنها فقط کمی بیش از یک سوم این مخارج را کفاف می‌دهد.

این مسئول رژیم همچنین اعتراف کرد آمارهایی که مرکز آمار رژیم ایران اعلام کرده است غیر واقعی است و آمار واقعی چند برابر این ارقام می‌باشد.

طبق محاسبات این سازمان رژیم، سید معیشت خانواده کارگری پارسال ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان بوده که بهمن ماه امسال با ۳۸ درصد افزایش به هشت میلیون و ۷۳۵ هزار تومان رسیده است. خیلی وقت است که دیگر هزینه سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوار از دستمزد حداقلی کارگران افزایش یافته است و با مزد ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومانی که بیش از ۷۰ درصد طبقه‌ی کارگر ماهانه دریافت می‌کنند، حتی نیازهای خوراکی خانواده‌ها تامین نمی‌شود.

بازهم بحران در لرستان



بارش سنگین برف در لرستان قطع راه ارتباطی ۳۰۰ روستا در شهرستان دلفان این استان را در پی داشته است.

به گفته مسئولان رژیم در شهرستان دلفان از قطع برق ۱۱۰ روستا و همچنین گرفتار شدن ۲۵۳ نفر گرفتار در برف خبر داده‌اند. بارش برف در مرکز شهر ۲۰ سانتیمتر و در ارتفاعات تا یک متر هم گزارش شده است. محورهای فیروزآباد به نورآباد و محور نهاوند به گردنه گاماسیاب نیز بر اثر کولاک مسدود شده‌اند.

اولین بار نیست که لرستان با بحران‌هایی از این قبیل روبرو می‌شود، مردم لرستان در نوروز سال ۹۸ خسارات جبران ناپذیری بر اثر سیل را متحمل شدند که مردم در کوردستان به یاری مردم سیل زده رفتند.

عدم رسیدگی مسئولان به مشکلات و ویرانی‌های پس از بحران‌ها در لرستان موضوعی نیست که بدور از دید مردم این استان باشد. مشکلات و خساراتی که مردم لرستان به سبب بحران‌ها و بی توجهی مسئولان زیربط در سال‌های اخیر با آن مواجه شده‌اند هنوز هم مثل خود باقی مانده است.

ادامه سخن

احتمالا سر فرمان دهندگانشان را بر باد دهد.

اقدام تروریستی روز ۱۴ فوریه، همچون حمله انتحاری ۱ فوریه چند سال پیش اربیل، هر چند متأسفانه جان عده‌ای را گرفت، اما هیچ وقت به اهداف شوم خود که ترساندن طرف قربانی و نهایتاً تسلیم شدنش در مقابل تروریست‌ها بود، دست نخواهد یافت.

در حال حاضر جمهوری اسلامی آن راکت‌ها را با هدف آزمون اراده اداره بایدن و زهرچشم گرفتن از حکومت اقلیم شلیک کرد، اما به مشابه دیگر محاسبات رژیم این اقدامات بیشتر از هر زمانی جهان را به این قناعت می‌رساند که نباید راه را برای تروریسم اسلامی تهران و گروه‌انگیزی‌های این رژیم هموار کنند.

همچون تلاش‌های تروریستی اسدالله اسدی‌شان در آلمان و بلژیک که تماماً به ضرر رژیم تمام شد، اقدام تروریستی شب ۱۴ فوریه در اربیل نیز نه تنها هیچ دست آوردی برای جمهوری اسلامی نداشت بلکه عزم آمریکا را نیز نسبت به حمایت از اقلیم کوردستان جدی تر و هم روشنتر از هر زمانی به همه طرفین ثابت می‌کند که دشمن اصلی همه ملت‌های منطقه و به‌ویژه دشمن حقیقی کورد و کوردستان، رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این رژیم سرچشمه آشوب و تروریسم در سطح جهان است و این منطقه برای رسیدن به صلح بایستی به سرچشمه این راکت‌های سرگردان در هوا خاتمه دهد که هر روز از گوشه‌ای، گوشه‌ای دیگری از این منطقه را هدف قرار می‌دهند. کوردستان پایدار خواهد ماند و جمهوری اسلامی نیز به زباله‌دان تاریخ خواهد پیوست.

امنیت ملی یا «مصلحت نظام»

شورش

ابراهیمی



توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزشهای حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و اینکه کشورها چگونه سیاستها و تصمیمات را برای حمایت از این ارزشها در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ می‌کنند ساده‌ترین تعریف از امنیت ملی است که در دو گفتمان سلبی و ایجابی میتوان آن را بیان کرد. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل تهدیدات دشمنان معطوف است و در گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی، به دنبال کسب فرصتها برای توسعه و پیشرفت می‌باشد. با توجه به این بیان ساده از امنیت ملی در می‌یابیم که منافع ملی و ارزشهای ملی جانمایی مفقولهی امنیت ملی بشمار می‌آیند.

حمایت از تروریسم هزینه کرده است امروز به عامل تهدیدی جدی علیه خود رژیم تبدیل شده و راه برون رفت از این گرداب را روز به روز دشوارتر می‌کند. جالب اینجاست که اگر مسئولان رژیم بخواهند بازتعریفی در مقولهی

منافع ملی ایران در گرو هسته‌ای شدن نیست بلکه مصلحت نظام جمهوری اسلامی اقتضا می‌کند که مسلح به سلاحهای هسته‌ای و موشک‌های دوربرد باشد تا بتواند به اهداف خود دست یابد اکنون ایران به عنوان عنصری نامطلوب

راستای بسط و نفوذ سیاسی خود در منطقه گام‌هایی برداشته البته به نفع نظام نه مردم ایران. جمهوری اسلامی نظامی آرمانگراست و صدور انقلاب در صدر سیاستها و راهبردی و امنیتی رژیم در منطقه قرار دارد. از همان ابتدای روی

با سیاستها و برنامه‌های این رژیم، بعنوان تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی بشمار می‌آید و از طرف نهادهای امنیتی سرکوب می‌شود. این امر نشاندهندهی این واقعیت انکار نشدنیست که نظام حاکم خود، دشمن درجه یک

شده است. جهت واکاوی بیشتر مقولهی «امنیت ملی» در نظام کنونی حاکم بر ایران، بایستی سیاستها و اقدامات رژیم در دو حوزه داخلی و خارجی بررسی کنیم:

نظام حاکم خود، دشمن درجه یک مردم ایران است نه تهدیداتی که رژیم از آنها دم می‌زند چرا که منافع و ارزش‌هایی که رژیم حفظ و پاسداری از آنها را از اوجب واجبات می‌داند نه تنها ربطی به منافع ملی کشور و آحاد جامعه ندارند بلکه در تضاد کامل با خواست و منافع ملی آنهاست و وسیله‌ای برای سرکوب و خفقان در ایران شده است.

امنیت ملی داشته باشد و منافع ملی و ارزشهای مردمی را جایگزین ارزشهای ایدئولوژیکی نظام کند که ماهیت خود نظام به خطر می‌افتد و اگر همچنان بر ادامه‌ی سیاستهای کنونی خود اصرار ورزند رمقی برای عرض اندام در سطح داخلی و منطقه‌ای نخواهد داشت. در واقع این کلیت نظام است که به بن بست رسیده که تمام رژیم‌های دیکتاتوردر مرحله‌ای از زمامداری خود

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از جانب جامعه‌ی جهانی ایزوله شده و تاوان تمام این سیاستهای نادرست را مردم ایران پس می‌دهند. این اقدامات رژیم همگی تحت عنوان راهبردهای «امنیت ملی» در حوزه‌ی داخلی و خارجی صورت گرفته در حالیکه تمامی آنها در تضاد با منافع ملی و ارزشهای ملی ایران هستند. رژیم به این امر نیک واقف است که مهمترین شاخصه‌ی امنیت یک

کار آمدن، جنگی هشت ساله با عراق به راه انداخت و از آن به نام دفاع مقدس نام برد در حالیکه این جنگ ضرورتی نداشت و عراق تهدیدی علیه امنیت ملی ایران نبود. بلکه این رویای صدور انقلاب بود که رهبران وقت رژیم در سر داشتند و بایستی جنگی به راه می‌انداختند باعث بوجود آمدن این جنگ خانمان‌سوز برای هر دو کشور شد. حمایت از نیروهای عقیدتی در منطقه جهت نیل به

مردم ایران است نه تهدیداتی که رژیم از آنها دم می‌زند چرا که منافع و ارزشهایی که رژیم حفظ و پاسداری از آنها را از اوجب واجبات می‌داند نه تنها ربطی به منافع ملی کشور و آحاد جامعه ندارند بلکه در تضاد کامل با خواست و منافع ملی آنهاست و وسیله‌ای برای سرکوب و خفقان در ایران شده است. شاخصه‌های تهدید در سیستم امنیتی رژیم همان منافع و ارزشهایی هستند

حوزه داخلی:

پیدایش جمهوری اسلامی تنها در نظام سیاسی ایران تحول ایجاد نکرد بلکه نظام فرهنگی و اجتماعی کشور نیز دچار تحول شد به نحوی که تمام مفاهیم کلی بازتعریف شدند و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان کشور تحت تاثیر ایدئولوژی حاکم دستخوش تغییراتی شدید شدند از جمله ارزشها و اولویتهای ملی رنگ و بوی ایدئولوژی گرفته

برمی‌گیرد که تحقیقان معطوف به پیشینه‌سازی امنیت همه جانبه‌ی ملت و دولت می‌باشد. اهداف ملی تصویر آینده و در واقع مطلوب نهایی یک جامعه را در بر می‌گیرد. «ارزشهای ملی» نیازمند سنجش و ارزیابی دقیقی از جانب اتاق فکر و مراکز آکادمیکی است که اولویتهای یک کشور را تبیین می‌کنند و در تدوین استراتژی ملی بکار گرفته می‌شوند. ساختن ارزشهای ملی بعنوان جانمایی شکل‌گیری راهبرد امنیت یک کشور نشأت گرفته از باورهای ایدئولوژیکی سیاستمداران و سردمداران یک نظام سیاسیست تا با اتکا به فرهنگ و جان مایه‌های ایدئولوژیکی خود مصالح یک نظام سیاسی را تشخیص داده و در جهت اجرایی کردن آن گام برمی‌دارند.

اگر مسئولان رژیم بخواهند بازتعریفی در مقولهی امنیت ملی داشته باشد و منافع ملی و ارزشهای مردمی را جایگزین ارزشهای ایدئولوژیکی نظام کند که ماهیت خود نظام به خطر می‌افتد و اگر همچنان بر ادامه‌ی سیاستهای کنونی خود اصرار ورزند رمقی برای عرض اندام در سطح داخلی و منطقه‌ای نخواهد داشت.

نظام، مشروعیت آن است که البته خود از آن محروم است و تا زمانی که از درون امنیت نداشته باشد نمی‌تواند نفس راحتی بکشد و در طول بیش از چهار دهه زمامداری هنوز به این مهم دست نیافته چرا که تمامی ترندهایی که به نام دفاع از کشور و مردم ایران، ولی در واقع برای حفظ و بقای نظام ولو با قربانی کردن منافع ملی و زیر پا گذاشتن ارزشهای ملی، بکار گرفته بود برای مردم روشن شده و امروز شاهد اعتراض و مخالفت حتی از درون نظام با این سیاستها هستیم. سرمایه‌های کلانی که رژیم در عرصه‌ی تسلیحاتی و

این آرمان از سیاستهای کلان و راهبردی رژیم در منطقه است و سرمایه عظیمی تحت عنوان «تأمین امنیت ملی» ایران در این راه صرف نموده. در هر جای دنیا گروهی یافت شود که در جهت منافع این رژیم گام برمی‌دارد را تأمین لوژستیکی می‌کند بدون در نظر گرفتن پیامدهای سیاسی که ممکن است برای مردم ایران به همراه داشته باشد. نزدیک به دو دهه است جامعه‌ی بین‌المللی را درگیر بحث هسته‌ای و موشکی خود نموده بدون اینکه از نظر شاخصه‌های امنیت ملی توجیه پذیر باشد چرا که به هیچ وجه

کلیت نظام است که به بن بست رسیده که تمام رژیم‌های دیکتاتوردر مرحله‌ای از زمامداری خود

کلیت نظام است که به بن بست رسیده که تمام رژیم‌های دیکتاتوردر مرحله‌ای از زمامداری خود

حوزه خارجی:

سیاست امنیتی رژیم در بعد خارجی نیز نشأت گرفته از مبانی فکری و عقیدتی خود بوده و در

و حفظ و بسط این ارزشها به مثابه منافع ملی قلمداد شدند. جهانبینی توحیدی آن‌هم از نوع ولایت فقیهی موجبات بازتعریفاتی در حوزه‌ی امنیتی ایران پدید آورد که در آن امنیت ایمانی جای امنیت مادی، اولویت حفظ نظام، جای حفظ منافع ملی را گرفت. این تحولات مبنایی با مخالفتهایی از جانب اقشار جامعه ایران کم و بیش همراه بوده و بر اثر همین تضاد و اصطکاکها بین مردم و نظام حاکم هزینه‌های مادی و انسانی زیادی متوجه جامعه ایران شده است و هنوز هم ادامه دارد. اکنون در داخل ایران هر صدای مخالفتی

طبق قانون اساسی رژیم، جمهوریت و اسلام‌گرایی دو پایه اصلی این رژیم محسوب می‌شوند ولی در واقع ماهیتی متضاد با این شناسه در نظام حاکم دیده می‌شود چرا که ایدئولوژی حاکم بر ایران نه تنها ربطی به مردمی بودن ندارد بلکه تمام تصمیمات کلان کشوری بر پایه‌ی فتوای ولایی گرفته می‌شوند که اسلامی بودن آن هم بحث برانگیز است. مبانی نظری امنیتی رژیم از همان ابتدا مشخص بوده و به اقتضای زمانی و مکانی پایه‌ریزی و عملی

اگر جنگ شروع شود روسیه و چین در چه حد و تا کی از رژیم ایران حمایت نظامی خواهند کرد؟



مختار

نقشبندی

این دو کشور حمایت مستقیمی از ایران نخواهند کرد و حتی در صورت بروز جنگ میان آمریکا و همپیمانانش با ایران نهایتاً در سواحل ایران یا چند منطقه ایران نیرو پیدا می‌کنند تا مانع تصرف کامل ایران شوند و این همان بلایی است که روسیه بر سر سوریه آورد و عملاً آن کشور را ویران کرد. در این مقاله با توجه شرایط کنونی منطقه و تحولات یک سال گذشته و افزایش نگرانی‌ها از بروز جنگ

و همپیمانان اروپائیش بسیار مهمتر است و با توجه به افزایش فعالیت‌های هسته‌ای ایران اگر این فعالیت‌ها به همین شیوه ادامه یابند و مذاکره و توافق بر سر این موضوع صورت نگیرد بروز جنگ اجتناب ناپذیر است چون کنترل یک ایران هسته‌ای دهها برابر اکنون برای آمریکا و کشورهای منطقه هزینه بردار خواهد بود. سوال اینجاست در صورتی که هر کدام از این مناقشات به جنگ

دارند و چنین جنگی منفعتی برای آنان نخواهد داشت و همچنین اگر قرار باشد با آمریکا و متحدان اروپائیش درگیر شوند موارد مهمتری هم در گذشته و هم حالا وجود داشته و دارد که بر سر آن با غرب وارد جنگ شوند بنابراین در صورت بروز جنگ گسترده در منطقه از دخالت مستقیم خوداری خواهند کرد و تنها از این موضوع برای حضور و تثبیت قدرتش در منطقه استفاده خواهند کرد و

ایران آنچنان سنگین خواهد بود که پس از جنگ مردمان ایران برای تامین نیازهای اولیه زندگی به کمک‌های خارجی احتیاج خواهند داشت و احتمالاً با وساطت روسیه و چین طرح‌هایی مشابه طرح نفت در برابر غذا در مورد ایران اجرا شود و با توجه به این که اکثریت مردمان ایران هم اکنون از رژیم اسلامی ایران متنفر هستند مسلماً در چنین شرایطی با تمام توان و از هر راهی تلاش خواهند کرد که

برای حداقل حمایت‌های سیاسی و نظامی این دو کشور باج‌های اقتصادی زیادی به آنان داده است و در شرایط کنونی که سایه جنگ بر سر منطقه قرار گرفته است و هر لحظه احتمال شعله‌ور شدن جنگی تمام عیار وجود دارد از فروش تسلیحات پیشرفته از جمله هواپیماهای شکاری رهگیر پیشرفته و سیستم‌های ضد موشکی و ضد هوایی پیشرفته به ایران خوداری می‌کنند و

چند روز پیش روسیه و ایران مانور مشترک دریایی در اقیانوس هند برگزار کردند و خبرگزاری‌های ایران به ویژه خبرگزاری‌های وابسته به سپاه ترورستی پاسدارن همچون مانور سال گذشته به شیوه اغراق آمیز اخبار این مانور را پوشش دادند در حالیکه نیروی دریایی روسیه تنها با یک ناوشکن و یک شناور لجستیکی و یک هلیکوپتر در این مانور شرکت کرد و با توجه به مطالبی که خبرگزاری‌های مهم جهان از جمله خبرگزاری‌های روسی منتشر کردند این مانور بیشتر در سطح مقابله با دزدان دریایی و حفاظت از شناورهای تجاری بوده و از نظر نظامی اهمیتی خاصی نداشت و تنها از نظر سیاسی و تبلیغی به ویژه برای ایران دارای اهمیت می‌باشد و این از سخنان اغراق آمیز معاون هماهنگ کننده ارتش ایران کاملاً مشخص بود و با اغراق زیادی گفت نیروی دریایی ایران از لحاظ تجهیزات نوین و تاکتیک و ... در سطح قدرت‌های جهانی قرار گرفته است! این در حالی است که

پرونده هسته‌ای ایران و حضور نظامی در سوریه و بحران یمن ۳ بحران و مشکلی هستند که اگر حل نشوند جنگ دامان ایران را خواهد گرفت چون عربستان سعودی هزینه بسیار زیادی را در جنگ با شبه نظامیان حوثی متحمل شده و ادامه این وضعیت برای عربستان بسیار دشوار است و اسرائیل هم با حملات پی‌درپی و شدید به نیروهای ایرانی در سوریه نشان داده است که به ایران اجازه نخواهد داد حضورش در سوریه را ادامه دهد.

در منطقه بخاطر برنامه هسته‌ای ایران به مرور و بررسی کامل تر این مسئله خواهیم پرداخت که در صورت بروز جنگ روسیه و چین در چه حد و تا کی از رژیم ایران حمایت نظامی خواهند کرد؟

منجر شود روسیه و چین چگونگی و تا کی از ایران حمایت خواهند کرد؟

در صورت لزوم در سواحل ایران نیرو پیاده خواهند کرد تا مانع تصرف ایران شوند و تنها به شیوه غیرمستقیم و آن هم بسیار محدود از ایران حمایت نظامی خواهند کرد چون تحویل سلاح پیشرفته به ایران در حال جنگ عکس‌العمل متقابل غرب را در پی خواهد داشت و در مقابل تسلیحات پیشرفته در اختیار دشمنان این دو کشور قرار

رژیم ایران را سرنگون کنند و غرب و کشورهای منطقه هم با تمام توان از آنان حمایت خواهند کرد و این یعنی با تلافی همچون سوریه اما بزرگتر و با توجه به وضعیت اقتصادی روسیه و همچنین عدم تمایل چین به افزایش تنش با کشورهای اروپائی به دلایل اقتصادی از راه‌حل‌های سیاسی برای پایان بحران ایران استفاده

همانگونه که بیان شد در صورت بروز جنگ حمایت مستقیمی از رژیم ایران نخواهند کرد، رژیم ایران بر خلاف شعار نه شرقی نه غربی کاملاً در دام روسیه و چین افتاده است و این دو قدرت از طریق ایران در حال افزایش نفوذشان در منطقه مهم و حساس خاورمیانه هستند و در صورت بروز جنگ هم حضورشان سریع‌تر و گسترده‌تر

نیروی دریایی ایران یک نیروی دریایی ساحلی است و بیشتر توان و قدرت نیروی دریایی ایران مربوط به موشک‌های ساحل به دریا و قایق‌های تندرو است و ایران هیچ ناوشکن و زیردریایی پیشرفته و مهمی برای درگیری در مناطق دور در اختیار ندارد. سال گذشته هم پس از مانور مشترک روسیه و ایران با حضور چین در مقاله‌ای در روزنامه کوردستان به این موضوع اشاره کردیم که رژیم منزوی ایران از اینگونه مسائل بیشتر برای تبلیغات و روحیه دادن به عوامل داخلی و گروه‌های همپیمانانش در منطقه استفاده می‌کند و از نظر نظامی دستاوردی برای ایران ندارد و از طرفی روسیه و چین روابط گسترده‌ای با کشورهای منطقه دارند و در صورت بروز جنگ میان ایران و چند کشور منطقه

رژیم ایران بر خلاف شعار نه شرقی نه غربی کاملاً در دام روسیه و چین افتاده است و این دو قدرت از طریق ایران در حال افزایش نفوذشان در منطقه مهم و حساس خاورمیانه هستند و در صورت بروز جنگ هم حضورشان سریع‌تر و گسترده‌تر خواهد شد و در این میان مردمان منطقه به ویژه مردمان ایران بازنده اصلی چنین وضعیتی خواهند شد که رژیم ایران به وجود آورده است.

را خواهد گرفت چون عربستان سعودی هزینه بسیار زیادی را در جنگ با شبه نظامیان حوثی متحمل شده و ادامه این وضعیت برای عربستان بسیار دشوار است و اسرائیل هم با حملات پی‌درپی و شدید به نیروهای ایرانی در سوریه نشان داده است که به ایران اجازه نخواهد داد حضورش در سوریه را ادامه دهد، اما بحران هسته‌ای ایران از همه مسائل هم برای عربستان و اسرائیل و هم آمریکا

فرصت برای ضربه زدن به نیروهای رژیم ایران و گروه‌های همپیمانانش نهایت استفاده را خواهند کرد و در مدت کوتاهی ایران و گروه‌های همپیمانانش در یک طرف و در طرف دیگر عربستان و امارات و اسرائیل و آمریکا و متحدان منطقه‌ای و فرانطقه‌ای‌شان خواهند بود، مطمئناً روسیه و چین در این جنگ بطور مستقیم دخالت نخواهند کرد چون روابط گسترده‌ای با کشورهای منطقه

خواهند داد بنابراین از این کار خوداری خواهند کرد همانگونه که تا کنون از فروش تسلیحات پیشرفته به ایران خوداری کرده‌اند. در یک جنگ تمام عیار میان ایران با آمریکا و متحدان منطقه‌ای و اروپائیش بزرگترین ضعف ایران مقابله با حملات گسترده هوایی خواهد بود و در مدت کوتاهی بیشتر مراکز نظامی و اقتصادی ایران ویران خواهند شد و اثرات منفی چنین جنگی بر اقتصاد

خواهند کرد و مسلماً در چنین شرایطی روسیه و چین رهبران اصلی رژیم ایران را قربانی خواهند کرد و به این شیوه با هزینه کم در خلیج فارس حضور دائمی خواهند داشت و مردمان منطقه به ویژه مردمان ایران بازنده اصلی این جنگ خواهند بود.

خواهد شد و در این میان مردمان منطقه به ویژه مردمان ایران بازنده اصلی چنین وضعیتی خواهند شد که رژیم ایران به وجود آورده است. در پایان همچون همیشه یاد آوری می‌کنیم و تاکید می‌کنیم تنها راه نجات از دست این رژیم اتحاد اپوزیسیون است و اتحاد تنها با احترام به حقوق همه ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و با مشارکت همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌ها امکان‌پذیر است.

۳۷ سازمان حقوق بشری و نهاد مدنی خواستار آزادی فعالین کورد و سایر قربانیان بازداشت‌های خودسرانه در ایران شدند



سازمان عفو بین‌الملل، دیدبان حقوق بشر، بنیاد برومند، سازمان حقوق بشر ایران، جمعیت حقوق بشر کردستان - ژنو و کوردپا از جمله امضاکنندگان این نامه می‌باشند.

متن این نامه عیناً در پی می‌آید:

نیاز به اقدام فوری بین‌المللی برای آزادی فعالین کورد و سایر قربانیان بازداشت‌های خودسرانه در ایران

ما، ۳۷ سازمان حقوق بشری و نهاد مدنی امضا کننده این نامه، خواستار توجه فوری جامعه جهانی به موجی مستمر از دستگیری‌های خودسرانه، قطع ارتباط بازداشت‌شدگان با جهان بیرون و ناپدیدسازی‌های قهری توسط مقامات ایرانی هستیم که دهها نفر از اقلیت ستم‌دیده کورد را در استان‌های آذربایجان غربی، البرز، تهران، کردستان و کرمانشاه هدف قرار داده‌اند.

تا امروز، مقامات ایرانی هیچ اطلاعاتی در مورد علت بازداشت‌ها ارائه ندادند، اما طبق اطلاعات معتبر جمع آوری شده از منابع آگاه، نگرانی‌های جدی وجود دارد که علت این بازداشت‌ها استفاده مسالمت‌آمیز افراد از حقوق خود در زمینه آزادی عقیده، بیان و تشکل، از جمله از طریق مشارکت آنها در فعالیت‌های مدنی مسالمت‌آمیز، و/یا حمایت مفروض آنها از آرمان‌های سیاسی احزاب مخالف کورد برای تحقق حقوق بشر اقلیت کورد ایران، بوده باشد.

بر اساس الگوهای مستند شده نقض حقوق بشر توسط مقامات ایرانی در گذشته، سازمان‌های امضا کننده این نامه به شدت نگرانند که بازداشت‌شدگان در معرض خطر شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز برای دادن «اعترافات» اجباری هستند، «اعترافاتی» که بعدتر ممکن است مورد استناد دادگاه‌ها در محاکمه‌های ناعادلانه برای جرائم واهی مرتبط با امنیت ملی قرار گیرد.

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از منابع آگاه، از روز ۱۷ دی ۱۳۹۹، دست کم ۹۶ نفر (۸۸ مرد و ۸ زن) از اقلیت کورد ایران، شامل فعالان جامعه مدنی، فعالان حقوق کارگران، مدافعان محیط زیست، نویسندگان، دانشجویان، زندانیان سیاسی سابق و همچنین افرادی بدون سابقه شناخته‌شده فعالیت، توسط واحد اطلاعات سپاه پاسداران ایران یا وزارت اطلاعات دستگیر شده‌اند و این دستگیری‌ها گاهی به صورت خشونت‌آمیز صورت گرفته است.

بازداشت‌ها در دست کم ۱۹ شهر در ۵ استان انجام شده است از جمله: بانه (۱ نفر)، بوکان (۲۳ نفر)، مهاباد (۱۰ نفر)، نقده (۴ نفر)، اشنویه (۱۱ نفر)، پیرانشهر (۷

نفر)، رباط (۳ نفر) و ارومیه (۱ نفر) در استان آذربایجان غربی؛ کرج (۲ نفر) در استان البرز؛ تهران (۳ نفر) در استان تهران؛ بانه (۱ نفر)، دیواندره (۱ نفر)، کلاترزان (۳ نفر)، مریوان (۹ نفر)، سنندج (۴ نفر)، سقز (۳ نفر) و سروآباد (۴ نفر) در استان کردستان؛ جوانرود (۱ نفر)، کرمانشاه (۲ نفر) و پاوه (۴ نفر) در استان کرمانشاه.

به گفته منابع آگاه، بیشتر این دستگیری‌ها بدون ارائه حکم قضایی توسط مسئولان به بازداشت‌شدگان انجام شده است. در واقع، مقامات دادستانی در مهاباد و ارومیه، که مرکز استان آذربایجان غربی است و بیشتر بازداشت‌شدگان به بازداشتگاه‌های آن شهر منتقل شده‌اند، به خانواده‌های بازداشت‌شدگان گفته‌اند که دفاتر آنها قرار می‌گیرد برای جلب افرادی که توسط اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شده‌اند، صادر نکرده و آنها از سرنوشت و محل نگهداری بازداشت‌شدگان اطلاعی ندارند.

تا روز ۱۴ بهمن ۱۳۹۹، هفت نفر از بازداشت‌شدگان آزاد شده بودند (در سه مورد با قرار وثیقه و در چهار مورد بدون قید و شرط)، اما بقیه دستگیرشدگان بدون دسترسی به خانواده‌ها و وکلایشان در بازداشت به سر می‌برند و نگرانی‌های گسترده مبنی بر تداوم موج بازداشت‌های خودسرانه همچنان وجود دارد.

ناپدیدسازی قهری و قطع ارتباط بازداشت‌شدگان با جهان بیرون

بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع آگاه، از میان ۸۹ نفری که در بازداشت هستند، دست کم ۴۰ نفر در وضعیت ناپدیدشدگی قهری قرار داده شده‌اند و مقامات از اعلام هرگونه اطلاعات در مورد سرنوشت و محل نگهداری آنها به خانواده‌هایشان خودداری می‌کنند.

۴۹ نفر باقیمانده در این مکان‌ها نگهداری می‌شوند: ۲۵ نفر در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در ارومیه، ۱۳ نفر در بازداشتگاه واحد اطلاعات سپاه پاسداران در ارومیه، سه نفر در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در مریوان، پنج نفر در بازداشتگاه واحد اطلاعات سپاه پاسداران در سنندج، دو نفر در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در کرمانشاه و یک نفر در زندان مرکزی مهاباد.

اطلاعات مربوط به محل نگهداری این بازداشت‌شدگان پس از آن مشخص شد که تعدادی از آنها، چند ساعت یا چند روز بعد از دستگیری، اجازه تماس تلفنی کوتاهی را با خانواده‌هایشان یافتند و آنها را از محل نگهداری‌شان مطلع ساختند. با این حال، مقامات از ارائه دلایل بازداشت به خانواده‌های بازداشت‌شدگان خودداری کرده

و ارتباط بیشتر بین زندانیان و عزیزانشان، از جمله تماس تلفنی یا ملاقات خانوادگی، را ممنوع اعلام کرده‌اند. بازداشت‌شدگان از حق دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی و به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت خود محروم شده‌اند و مقامات به خانواده‌ها گفته‌اند که این وضعیت تا پایان روند تحقیقات ادامه خواهد داشت.

نگهداری بازداشت‌شدگان در این شرایط آزارآمیز، که مغایر با قوانین داخلی ایران و قوانین بین‌المللی حقوق بشر است، آنها را در معرض خطر جدی شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار می‌دهد، به ویژه با توجه به این‌که شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها به طور گسترده و نظام‌یافته در مراکز بازداشت تحت کنترل نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در ایران اعمال می‌شود. ماموران سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات خانواده‌های بازداشت‌شدگان را به هنگام تلاش برای کسب اطلاعات درباره‌ی عزیزانشان، مورد توهین و تهدید قرار داده و به آنها هشدار داده‌اند که نباید با رسانه‌ها یا نهادهای حقوق بشری سازمان ملل ارتباط برقرار کنند.

با توجه به نقض اصول دادرسی منصفانه، دستگیری‌ها و بازداشت‌های صورت گرفته، عملاً در همه موارد، ماهیت خودسرانه پیدا کرده و در نتیجه غیرقانونی هستند.

بازداشت‌های خودسرانه مرتبط با کاربست مسالمت‌آمیز حقوق بشر

بر اساس اطلاعات به دست‌آمده، در حالی که برخی از بازداشت‌شدگان در موج اخیر سرکوب، چهره‌های شناخته شده دارای سابقه فعالیت در انجمن‌های زیست محیطی و فعالیت‌های فرهنگی هستند، اکثریت آنها مردان و زنان جوانان بالای ۲۰ سالی هستند که به نظر می‌رسد فعالیت نوپای خود را از طریق حلقه‌های غیررسمی و متمرکز بر توانمندسازی مدنی و سیاسی اقلیت کورد ایران دنبال می‌کرده‌اند.

ما نگران این هستیم که این موج تازه سرکوب، ارباب، آزار و اذیت

با هدف جلوگیری از مشارکت جوانان فعال کورد در سازماندهی محلی و ترسیم چشم انداز برای جامعه‌شان به راه افتاده باشد. ما همچنین بابت گزارش‌هایی که احتمال می‌دهند این افراد بر اساس تعلق خاطر مفروض‌شان به آرمان‌های سیاسی احزاب مخالف کورد مورد هدف قرار گرفته باشند، نگرانیم.

مقامات ایران، فعالیت احزاب سیاسی مخالف را به شدت محدود و در اکثریت موارد، به کلی ممنوع کرده‌اند. این ممنوعیت به ویژه در خصوص احزابی که کوردها و سایر اقلیت‌های اقلیت‌های ایران را نمایندگی می‌کنند، صادق است. برخی احزاب مخالف کورد، شاخه مسلح جداگانه‌ای هم دارند که خارج از ایران مستقر هستند و علیه حکومت فعالیت‌های مسلحانه انجام می‌دهند.

مقامات ایران به شکل دائمی، شهروندان کورد را صرفاً با ادعای همدلی یا ارتباط واقعی یا مفروض‌شان با احزاب مخالف کورد به شکل خودسرانه دستگیر و بازداشت می‌کنند، و به ندرت مدارک و شواهد کافی دال بر مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم بازداشت‌شدگان در جرایم به رسمیت شناخته شده در سطح جهان ارائه می‌دهند.

ما یادآوری می‌کنیم که حق آزادی عقیده و آزادی بیان شامل حق انتقاد از نظام اجتماعی، سیاسی مورد حمایت مقامات و حق تبلیغ و ترویج هرگونه ایده یا آرمان سیاسی به شکل مسالمت‌آمیز است، مادامی که ایده‌های مدنظر مبلغ نفرت‌پراکنی محرک تبعیض‌گذاری یا خشونت‌ورزی نباشند. تعقیب و مجازات افراد به دلیل عقایدی که ممکن است به آن باور داشته باشند نقض جدی حق آزادی عقیده و بیان است. این حق در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران نیز از اعضای آن است، تضمین شده است.

کارنامه‌ی اسفناک

برای دهه‌ها، اقلیت‌های اقلیت‌های ایران، از جمله کوردها، عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها

با تبعیض نهادینه مواجه بوده‌اند و این امر دسترسی برابر آنها به تحصیل، اشتغال، مسکن مناسب و مناصب سیاسی را محدود کرده است. عدم سرمایه گذاری کافی در مناطق اقلیت‌نشین، فقر و به حاشیه‌راندگی را تشدید کرده است. علیرغم درخواست‌های مکرر برای حفظ تنوع زبانی، زبان فارسی همچنان تنها زبان آموزش در دوره‌های ابتدایی و متوسطه است.

بر اساس گزارش‌های گروه‌های حقوق بشری کورد، در سال میلادی ۲۰۲۰ بیش از ۵۰۰ نفر از اقلیت کورد ایران، از جمله مدافعان حقوق بشر، با انگیزه‌های سیاسی دستگیر و به جرائم امنیتی، که در قانون به طور نادقیق، کلی و مبهم تعریف شده‌اند، متهم شدند. حداقل ۱۵۹ نفر از آنها متعاقباً به دوره‌های حبس از یک ماه تا ۱۷ سال محکوم شدند و چهار نفر حکم اعدام گرفتند.^[۱]

بر اساس گزارش گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور ایران، زندانیان سیاسی کورد متهم به جرایم مرتبط با امنیت ملی بخش زیادی از زندانیانی را تشکیل می‌دهند که در ایران محکوم به اعدام شده و اعدام شدند و نرخ اعدام در میان کوردها متناسب با جمعیت آنها در ایران نیست.^[۲] در سال ۲۰۲۰ دست کم چهار کورد ایرانی در پی محاکمه‌های به شدت ناعادلانه و به اتهام دست داشتن در درگیری‌های مسلحانه اعدام شدند.^[۳]

ما از این‌که عاملان و آمران بازداشت‌های ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها مورد تحقیق و تعقیب و محاکمه قرار نمی‌گیرند و از مناصب قدرت برکنار نمی‌شوند، به شدت نگران هستیم و معتقدیم که این وضعیت منجر شده که در ایران، نقض حقوق بشر و جرایم بین‌المللی مکرراً به صورت گسترده و نظام‌یافته، و همراه

با مصونیت مطلق از مجازات، ارتکاب یابد.

ما سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای مدنی از جامعه جهانی می‌خواهیم که موارد نگران‌کننده‌ی مذکور را با مقامات ایران مطرح کنند و از آنها بخواهند که:

تمام افرادی که خودسرانه بازداشت شده‌اند را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کرده و کارزار بازداشت خودسرانه مردم کورد را خاتمه دهند؛

تا زمان آزادی، از همه بازداشت‌شدگان در برابر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها محافظت کنند؛ بلافاصله خانواده‌ها را از سرنوشت، محل نگهداری و وضعیت حقوقی بستگان تحت بازداشت آگاه کرده و به اعمال «ناپدیدسازی قهری» خاتمه دهند؛

اطمینان حاصل کنند که افراد محروم از آزادی از حقوق خود در خصوص اطلاع‌رسانی به یک شخص ثالث، دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی، به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت، و حفظ سکوت در زمان بازجویی، بهره‌مند می‌شوند، و تضمین کنند که اظهاراتی که بدون رعایت این حقوق و بدون اعلام آنها به فرد تحت بازداشت به دست می‌آید، غیرقابل استناد در دادگاه است؛ تحقیقات مستقل، بی طرفانه و شفاف در مورد ادعاهای شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها انجام داده و مسئولان را به صورت منصفانه محاکمه کنند؛

به تبعیض علیه اقلیت‌های اقلیت‌های اقلیت، در قانون و عمل، پایان داده و برای رعایت، ترویج، تحقق و محافظت از حقوق بشر همگان در کشور اقدام کنند؛ و تمام احکام اعدام را به صورت رسمی به حالت تعلیق در آورند و همزمان لغو کامل مجازات اعدام را مد نظر قرار دهند.

۱۵ بهمن ۱۳۹۹
۲ فوریه ۲۰۲۱

[۱] اسامی آنها عبارت است از: بهروز شاکری، حیدر قربانی، سامان کریمی، و محی‌الدین تازه وارد.
[۲] گزارش گزارش‌گر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، ۱۸ جولای ۲۰۱۹، بند ۸۷ قابل دسترسی در: <https://undocs.org/A/74/188>
[۳] اسامی آنها عبارت است از: هدایت عبدالله پور، مصطفی سلیمی، دیاکو رسولزاده و صابر شیخ عبدالله.

تعلیم و تربیت ابزار برای کاهش فقر در جامعه ایران



پرورش به اجرا بگذارند و این به توسعه برنامه‌های درسی، ساخت مدارس، آموزش معلمان و افزایش کیفیت تدریس کمک میکند. در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی، هزینه‌های مدرسه قسمت عمده‌ای از درآمد هر خانواده را در بر میگیرد و والدین توانایی پرداخت هزینه تحصیل فرزندان خود را ندارند. ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، پایه و اساس تبعیض بین زن و مرد در کشورهای مردسالار (پدرسالار) میباشد. در بیشتر کشورهای جهان ارزش و برابری بین زن و مرد به وضوح دیده میشود. از دیگر مشکلات موجود و بنیادی در مدارس ایران، نبود امکانات کیفی و محیط مناسب برای آموزش کودکان هست. در کشوری که همه سرمایه‌های طبیعی از جمله نفت، گاز، منابع طبیعی و کشاورزی غنی در آن موجود است چرا باید اوضاع آموزشی مردم آن جامعه زیر استانداردهای جهانی باشد. در کشوری که ساختن یک مدرسه آنچنان هزینه‌های هنگفت در برنمیگیرد در مقایسه با خرید تسلیحات و موشک‌های که برای حمایت از گروهک‌های تروریستی وابسته به رژیم تامین میکنند. البته ناگفته نماند بر همه مردم ایران و جهان آشکار است که سیستمی با این ایدئولوژی مذهبی و تندرو سطح کیفیت معیشتی، اقتصادی، آموزشی و اداری کشور دارای اهمیت کمتری نسبت به اقدامات تروریستی آنها به حساب می‌آید. محیط مناسب آموزشی نقش بسیار مهم و بسزایی در یادگیری کودکان ایفا میکند. اعم از سرویس و خدمات، وسایل کمک آموزشی، تهیه مطبوع، لوازم گرمایشی، داشتن کتابخانه از جمله موارد مهم و الزامی در مراکز آموزشی بحساب می‌آیند.

نابودی و فقر تعلیمی پیش میبرد. آموزش و پرورش راهی برای خروج از فقر و آسیب پذیری اجتماعی در کشورهای توسعه یافته به شمار میرود. بنابراین برای همه کودکان در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته نهاد آموزش و پرورش یک حق انسانی و هسته تشکیل جامعه در دوره پست مدرنیسم به حساب می‌آید و توانایی تشکیل و تبدیل جامعه به یک اجتماع آزاد و آزاداندیش را فراهم میکند. جهان پیشرفته تلاش میکنند که کودکان تحصیل کرده را به جامعه تحویل داده و آینده‌ای روشن برای آنان رقم بزنند. این یعنی امنیت مالی، فکری، روحی و روانی برای هر جامعه میباشد. در کشورهای جهان آزاد، نقش زنان با سواد و تحصیل کرده در اقتصاد آنان به بوضوح قابل رویت است. کشورهای جهان سوم با به کارگیری و اشتغال زنان تحصیل کرده و پشتوانه آنان در سطح ملی میتوانند روزنه اقتصادی و رفاهی اجتماعی را رقم بزنند. اما رژیم ایران با بی توجهی کامل نسبت به این منبع انسانی به قدرت زنان پشت پا میزند. آموزش درجه‌ای برای زندگی مستقل و سالم، فرصت‌های کاری، برابری نیروی منابع انسانی اعم از زن و مرد، تشکیل نهادها برای پشتوانه هر چه بهتر سطح و کیفیت تحصیل در سطح کشور باعث تشکیل رفاه اجتماعی، درآمد سالم، امنیت اقتصادی برای خانواده و جامعه میشود. تعلیم و آموزش راهی برای خروج از فقر و آسیب پذیری اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی میباشد. و به همین دلیل است که ما در سراسر جهان می‌جنگیم تا دولت‌ها و حاکمان را متقاعد کنیم سرمایه گذاری بیشتری در آموزش و

هومن

سمکو

آموزش و پرورش ایران در واقع کلافی در هم پیچیده است که حاکمان این رژیم توانایی حل و فصل این نواقص و آسیب اجتماعی را ندارند. به یقین میتوان گفت نتیجه این همه ناتوانی‌ها و همکاری‌های رژیم باعث بوجود آمدن آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کل ایران و به خصوص مناطق مرزی کردستان میباشد. مطمئناً با کارایی نبودن دولت روحانی و دولت‌های قبل از آن کشور به سمت فقر علمی، فقر اقتصادی، کشف و بوجود آمدن فسادهای بزرگ مالی، فحشا، بیکاری، انتحار و فرهنگ‌سازی اشتباه در جامعه ایران میشود. اگر به طور شفاف به حرکات و طرح‌های سیاسی اجتماعی رژیم ایران توجه کنیم مشاهده میکنیم که برنامه دراز مدت و یا حتی کوتاه مدت برای حل و فصل این تراژدی‌های بزرگ در ایران را مشاهده نمیکیم. با سیاست خارجی مضر و دخالت در کشورهای همجوار و با بی‌توجهی کامل به جامعه ایران متوجه حرکات خصمانه رژیم با جامعه ایران هستیم. سه عنصر اساسی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه که باعث تشکیل نظام فرهنگی کل میشوند، در چهل و چند سال اخیر به بیراهه رفته است. روز به روز از هدف اصلی خود دور شده و به هویت بی ثبات در منطقه و سطح جهانی تبدیل میشود. نرخ بالای بیکاری، سطح نازل تعلیم و تربیت در کشور، کمبود سرمایه گذاری و بودجه کشور در احداث، تشکیل و تبدیل در حوزه تعلیم، کشور را به سوی

آسیمیلیسیون ملیت‌های تحت ستم توسط رژیم‌های اقتدارگرا به منظور افزایش قلمرو و گسترش حاکمیت



پیشوا

صالحی

چنین گفت که با گذشت زمان رژیم‌های گوناگونی بر سر کار آمدند اما عقلانیت هیچ کدام از آنها نسبت به ملیت‌های جدا از طبقه‌ی حاکم (فارس) هیچ گونه تغییری را در خود احساس نکرده است. برای نمونه سیاست‌های رژیم نامشروع اسلامی ایران در رابط با ملیت‌هایی که تشکیل دهنده‌ی جغرافیایی می‌باشند که امروزه جهانیان آن را با نام ایران می‌شناسند پس از سپری شدن صدها سال آسیمیلیسیون فرهنگی، تاریخی و ... ملیت‌های جدا از طبقه‌ی حاکم (فارس) توسط رژیم‌های فاشیستی قبل از خود نه تنها عقب‌نشینی نکرده است بلکه آسیمیلیسیون دینی و مذهبی را نیز به آن افزوده است. به طور کلی این چنین می‌توان گفت که یکی از سیاست‌های اصلی رژیم نامشروع اسلامی ایران تشکیل یک قلمرو حکومتی بزرگ است که دارای ملت و امت اسلامی واحد باشد، به گونه‌ای که ساکنان آن سرزمین خیالی با زبان، فرهنگ، تاریخ، دین و مذهبی که مورد قبول طبقه‌ی حاکم (فارس) و رهبر امت اسلامی که صرفاً نماینده‌ی خدا بر زمین است، باشد و همچنین پیرو ولایت فقیه! با وجود حملات شدیدی که از جانب رژیم‌های فاشیستی و ضد مردمی از طریق آسیمیلیسیون فرهنگی بر ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران می‌باشد که در اصل طبقه‌ی حاکم (فارس) ساکنان و مالکان اصلی جغرافیای موجود و حتی جغرافیایی فراتر از آن سوی مرزهای تحت حاکمیتشان می‌باشند! در برخی موارد نیز سایر ملت‌های جدا از طبقه‌ی حاکم (فارس) را مهاجرینی کوچ کرده و بی هویت می‌دانند که بر اثر هجوم ملت‌های همسایه و منطقه‌ای بر خاکی که (طبقه‌ی حاکم) ادعای مالکیتش را دارند ماندگار شده‌اند!

سیاسی، که امروزه با نام ایران شناخته می‌شود نام گذاری شده‌اند را حذف و نام‌هایی را جایگزین ساخته‌اند که مورد پسند رژیم‌های مرکزگرا بوده است. نام‌های جغرافیایی در هر منطقه‌ای نشانه موجودیت ملتی خاص در جغرافیای خاص با یک هویت دیرین می‌باشد، حذف و جایگزین نام‌های جغرافیایی برابر است با حذف هویت و اصالت مالکین اصلی آن سرزمین و قطع ارتباط فرهنگی و تاریخی آنان با گذشته و همچنین موجب درک نشدن آثار باستانی و متون ادبی و تاریخی برای نسل‌های آینده می‌گردد، عملی که می‌توان آن را نسل‌کشی فرهنگی نامید!

یکی از دلایل انجام چنین اعمالی صرفاً اثبات و تحمیل چنین تفکری در ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران می‌باشد که در اصل طبقه‌ی حاکم (فارس) ساکنان و مالکان اصلی جغرافیای موجود و حتی جغرافیایی فراتر از آن سوی مرزهای تحت حاکمیتشان می‌باشند! در برخی موارد نیز سایر ملت‌های جدا از طبقه‌ی حاکم (فارس) را مهاجرینی کوچ کرده و بی هویت می‌دانند که بر اثر هجوم ملت‌های همسایه و منطقه‌ای بر خاکی که (طبقه‌ی حاکم) ادعای مالکیتش را دارند ماندگار شده‌اند!

اعمال انجام شده از جانب سردمداران فاشیست سلسله یا رژیم‌های مرکزگرای حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران نشان از آسیمیلیسیون گسترده فرهنگی با رویکردی نژادپرستانه و به منظور ایجاد ملتی واحد است که موجبات افزایش قدرت در منطقه و جهان، رویایی که همه‌ی رژیم‌های اقتدارگرای جهان آن را در سر می‌پروراند را فراهم سازد. در رابطه با رژیم‌هایی که در تاریخ معاصر در جغرافیای سیاسی ایران در راس قدرت بوده‌اند می‌توان این

از روزگاران کهن تا به امروز، ملتها و جوامع بشری یا با ظالم را به مبارزه پرداخته‌اند یا ظالم را تحمل و یا با آنها شریک شده‌اند. سکوت در قبال فرهنگ‌زدایی و یکسان‌سازی ملیتی و همراهی با مستبدان نژادپرست در بسیاری از نقاط جهان موجب نابودی مللی شده است که تاریخی به درازای تاریخ بشریت داشته‌اند. متأسفانه رفتار برخی از ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران در برابر ظالمان، در بیشتر مواقع به شکل سوم بوده است؛ همراهی و همدستی با ظالمان به منظور به دست آوردن موقعیت و فرصت‌های شخصی، عشیره‌ای و ... برای منافع افزون‌تر. هر چند در راستای پروسه‌ی آسیمیلیسیون فرهنگی هر کدام از سلسله و رژیم‌های حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران مکانیزم و راهکارهای گوناگونی را بکار گرفته‌اند، اما در واقع هدف اصلی آنها بخصوص رژیم‌هایی که در دو سده‌ی اخیر بر جغرافیایی که امروزه آن را ایران می‌نامند حاکمیت داشته‌اند ایجاد ملتی واحد در قالب سرزمینی پهناور می‌باشد که کلیه‌ی ساکنان آن از زبان، فرهنگ، تاریخ و حتی دین و مذهبی مشترک که مختص به طبقه‌ی حاکم (فارس) می‌باشد پیروی نمایند. برای نمونه اگر به نقشه‌های جغرافیایی قدیمی از دوران قاجاریه به بعد نگاهی داشته باشیم و آنها را با نقشه‌های جغرافیایی جدیدتر مقایسه نمایم مشاهده خواهیم کرد که بسیاری از شهرها، روستاها، کوه‌ها، رودخانه‌ها و حتی مناطق باستانی و ... که با زبان و بر اساس فرهنگ ملیت‌هایی که تشکیل دهنده‌ی جغرافیایی

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کردستان ایران در طی دو هفته دوم بهمن‌ماه با استناد به آژانس خبرسانی کردستان، (کردپا)

بازداشت شهروندان



طی روزهای اخیر، یک شهروند کورد به نام «سید نجم‌الدین حسینی» فرزند مصباح ساکن محله «تاجین‌آباد» آشنویه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.
روز سه‌شنبه چهاردهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «شهاب احمدی» اهل شهرستان مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.
روز یکشنبه نوزدهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «طه آتش‌افراز» اهل کهنه‌خانه پیرانشهر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.
روز یکشنبه دوازدهم بهمن‌ماه، یک معلم کورد به نام «سیاوش عینی» اهل شهرستان مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

نامعلوم بودن سرنوشت شهروندان

از سرنوشت یک شهروند کورد به نام «علی زلفی» فرزند حمزه ساکن شهرک فرهنگیان بوکان پس از بازداشت اطلاعی در دسترس نمی‌باشد.
به گفته یک منبع آگاه، خانواده این شهروند جهت اطلاع از سرنوشت وی به نهادهای امنیتی در ارومیه و بوکان مراجعه اما نیروهای امنیتی از ارائه پاسخی روشن در این رابطه امتناع کردند.

احضار شهروندان به مراکز اطلاعاتی



داریوش مرادی، فعال فرهنگی اهل اسلام‌آبادغرب (شاباد) برای اخذ آخرین دفاعیات به دادسرای عمومی و انقلاب این شهر احضار شد.
آبسیا جعفری مهر، فعال فرهنگی کورد اهل اسلام‌آبادغرب (شاباد) از توابع کرمانشاه برای اخذ آخرین دفاعیات به دادسرای عمومی و انقلاب این شهر احضار شد.

اتهامات مطروحه علیه این فعال کورد «عضویت در یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران و اقدام علیه امنیت ملی» اعلام شده و وی باید روز پنج‌شنبه سی‌ام بهمن‌ماه در دادسرای عمومی و انقلاب اسلام‌آبادغرب حاضر شود.

شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مهاباد «ارسطو (رسول) ملارحیمی»، فعال مدنی این شهرستان را احضار کرد.

این فعال مدنی براساس احضاریه‌ای که روز شنبه هجدهم بهمن‌ماه دریافت کرده باید پنج روز پس از درج احضاریه در سامانه ابلاغ در دادگاه حاضر شود. دادگاه این فعال مدنی را به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» احضار کرده است.

روز دوشنبه بیست و هفتم بهمن‌ماه، فرهاد موسی‌پور اهل شهر ربط از زندان مرکزی ارومیه برای بازجویی به بازداشتگاه اطلاعات سپاه منتقل شد.

انتقال شهروندان به زندان



روز سه‌شنبه بیست و هشتم بهمن‌ماه، اسرین محمدی پس از اتمام بازجویی از بازداشتگاه المهدی ارومیه به زندان این شهر منتقل شد.
روز دوشنبه بیستم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «علی آذربزین» فرزند محمد ۵۷ ساله اهل شهرستان پیرانشهر جهت اجرای حکم بازداشت و به زندان نرده منتقل شده است.

روز شنبه بیست و پنجم بهمن‌ماه، یک شهروند به نام «شوان پشتوار» فرزند عبدالرحمن ۳۹ ساله اهل شهرستان نرده به بند زندانیان سیاسی زندان ارومیه انتقال یافت.

روز شنبه بیست و پنجم بهمن‌ماه، سه شهروند کورد به نام «حسین گردشی، شیول خضری و فرهاد موسی‌پور» پس از اتمام بازجویی از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه به بند زندانیان سیاسی زندان این شهر منتقل شدند.

روز سه‌شنبه بیست و یکم بهمن‌ماه نیز، دو شهروند دیگر به نام‌های «سوران حسین‌زاده و سیروان نوری» با اتمام بازجویی از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه به بند قرنطینه زندان این شهر انتقال یافتند.

روز شنبه یازدهم بهمن‌ماه، دو شهروند کورد به نام‌های «عمر خاگراد و عباس صدیقی» اهل روستای «شلیم‌جان» از توابع پیرانشهر جهت اجرای حکم به زندان نرده انتقال یافتند.

انفجار مین



روز جمعه بیست و چهارم بهمن‌ماه، یک شهروند به نام «نادر براریان» ۴۵ ساله اهل روستای «کل کل علیا» از توابع دهستان آسمان‌آباد چرداول بر اثر انفجار مین به جای مانده از جنگ میان ایران و عراق در شهرستان مهران جان خود را از دست داد.

در همین رابطه روز یکشنبه دوازدهم بهمن‌ماه، یک شهروند به نام «سامان رضایی» در نزدیکی روستای «مله‌دزگه» از توابع سرپل‌ذهاب بر اثر انفجار مین به شدت زخمی و یک پای خود را از دست داد.

محکوم کردن شهروندان به حبس



یک شهروند کورد به نام «طاهر حسین‌زاده» ۲۸ ساله فرزند محمد اهل شهرستان مهاباد از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی «شیکلو» به یکسال و یک روز حبس تعزیری محکوم شد.
«حسین حسن‌خانی»، معلم بازنشسته و عضو مکتب قرآن کردستان به اتهام «تبلیغ علیه نظام» از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد به سه ماه زندان محکوم شد.

حکم ده سال حبس تعزیری زهرا محمدی، مدرس زبان کوردی و عضو انجمن فرهنگی - اجتماعی «نورین» در شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر سنندج به ریاست قاضی «مصطفی طیباری» به پنج سال حبس تعزیری تغییر پیدا کرد.

یک شهروند کورد به نام «علی بابزیدپور (جولا)» فرزند مولود ۴۹ ساله اهل روستای «شین‌آباد» از توابع پیرانشهر به صورت غیابی از سوی دادگاه انقلاب این شهرستان به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد.

دو شهروند کورد به نام‌های «خضر قادری‌آذر» فرزند عبدالله ۵۰ ساله و «شفیع محمدنژاد» فرزند محمد ۴۴ ساله اهل پیرانشهر از سوی دادگاه انقلاب این شهرستان به ریاست قاضی «عبدالله آقایی» هر کدام به پنج سال حبس تعزیری محکوم شدند.

فرانک جمشیدی، فعال محیط زیست و عضو جمعیت سبز کردستان اهل سنندج از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر به ریاست قاضی «سعیدی» به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد.

دو شهروند کورد به نام‌های «هاشم مرادی» و «اسماعیل محمدپور» اهل روستای «شین‌آباد» از توابع پیرانشهر از سوی دادگاه انقلاب این شهرستان هر کدام به پنج سال حبس تعزیری محکوم شدند.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز چهارشنبه بیست و نهم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «شهرام قادری» ۲۵ ساله اهل شهرستان بوکان بر اثر سرمازدگی در ارتفاعات مرزی «کیله و ننور» بانه جان خود را از دست داد.

روز دوشنبه بیست و هفتم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «یوسف وطن‌دوست» اهل مریوان بر اثر سقوط از ارتفاعات «ته‌ته» هورامان زخمی شد.

شامگاه یکشنبه بیست و ششم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «سیوان شیرمحمدی» اهل روستای «منصور آقایی» از توابع بخش شاهو روانسر بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی زخمی شد.

شامگاه روز چهارشنبه بیست و دوم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «آرام جاتن» اهل روستای «کانیسنان» از توابع مریوان بر اثر سقوط از ارتفاعات «ته‌ته» هورامان جان خود را از دست داد.

روز دوشنبه بیستم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «بهزاد هاشمی اصل» فرزند احمد اهل روستای «بهیک» از توابع سلماس بر اثر تیراندازی و تعقیب و گریز نیروی انتظامی جان خود را از دست داد.